

روش‌های انتقال مفاهیم دینی

آموزش مفاهیم دینی به کودکان، بسیار مقدّس و به روش‌های آموزشی متناسب نیاز دارد. امام علی (ع) به کمیل فرمود: هیچ فعالیتی نیست مگر آنکه در انجام آن به علم، معرفت و آگاهی نیاز داری.¹ امام رضا (ع) فرمود: کسی که در پی کاری از راه و روش آن برود، نلغزد.² اگر این آموزش بدون توجه به روش‌های صحیح باشد، به بیراهه رفتن و قدم گذاشتن در وادی سقوط است. امام صادق (ع) فرمود: کسی که بدون بینش کاری کند، مانند رونده در بیراهه‌ای است که هرچه سرعتش بیشتر باشد، از مقصدش دورتر شود.³ از طرف دیگر، این آموزش بدون در نظر گرفتن توانایی ذهنی کودکان هم مطلوب، صحیح و مؤثر نیست؛ بنابراین، ضرورت دارد بدین نکته هم توجه داشت که درک کودکان از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب دینی را می‌فهمند. پیامبر (ص) فرمود: ما موظفیم با هر کس مطابق درک و فهم او صحبت کنیم.⁴

تعریف آموزش: آموزش یعنی یاددادن، تعلیم و آموختن که با تمرین و تکرار زیاد، اثری در ذهن دانش‌آموز پدید آید.⁵ بنابراین،

¹ «ما من حركة إلا و أنت محتاج فيها الى معرفة.» محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، باب ۱۱ - فی وصیته لکمیل بن زیاد النخعی، ص ۲۶۷. «یا کمیل ما من حركة الا و انت محتاج فیها الی معرف.» علم و معرفت به وظائف فردی و اجتماعی خویش از ضروریات زندگی بشری است. انسان باید در همه حرکات و سکنات با بصیرت و بینائی قدم بردارد، در غیر اینصورت در رسیدن به هدفهای دنیوی و اخروی با ناکامی و شکست مواجه خواهد شد. شناخت و معرفت حتی در عبودیت و بندگی لازمه عبادت عاشقانه است و الا نماز و روزه بدون معرفت نیز برای انسان ثمری نخواهد بخشید و رفته رفته برای انسان تکراری و بی معنا خواهد بود. تحف العقول ص: ۱۷۱.

² امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: هر کس در پی کاری از راه و روش آن رود نلغزد. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۰.

³ «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعة السیر الا بعدا؛ کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه رود، چنین کسی هر چه تندتر رود، از راه دورتر می‌افتد.» محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب من عمل بغیر علم، ح ۱، ص ۴۳.

⁴ قال النبی: «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم» کافی، ج ۱، روایه ۱۵، ص ۲۳.

⁵ آموزش در کتاب‌های لغت فارسی به معنی یاد دادن، تعلیم و آموختن تعریف شده است. (فرهنگ معین، لغت‌نامه دهخدا، ماده آموزش) در اصطلاح، برای آموزش تعریف‌های متعددی شده است. راغب در مفردات می‌نویسد: «التعلیم اخص بما یكون بتکریر و تکثیر حتی یحصل منه اثر فی نفس

آموزش وسیله و زمینه‌ساز پرورش است که بیش‌تر در بعد ذهنی مطرح است.

زمان آموزش: بر اساس سیره امامان معصوم (ع)، از هنگام

تولد شروع می‌شود و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس در دوره‌های دیگر است.⁶ لازم است این آموزش، برای دانش‌آموزان ابتدایی به‌گونه‌ای حساب‌شده و با اصول مشخص و کاربردی صورت گیرد تا از تأثیرات سازنده‌ای برخوردار گردد.

مفاهیم دینی: مقصود از دین، محتوای دین اسلام در سه

بخش: اعتقادات، اخلاق و احکام است. مفاهیم اعتقادی همان توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت که پایه معارف است.⁷

ویژگی‌های کودکان دبستانی:

✓ نخستین ویژگی آنان این است که نوآموز سال اول دبستان از هر حیث با نوجوان متوسطه تفاوت دارد. کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی می‌شود. این دوره، با وجود رشد استعدادهای ذهنی از نظر احساسات بیش‌تر به بزرگسالان شباهت دارند، ولی در تفکراتشان با آنان بسیار

الْمُتَعَلِّمُ»؛ (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، پژوهش صفوان عدنان، الطبعه الاولى، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶، ص ۵۸۰) آموزش آن است که با تمرین و تکرار زیاد، از آن اثری در ذهن و نفس دانش آموز پدید می‌آید.
⁶ قال علی علیه السلام: «العلم من الصغر كالنقش في الحجر»؛ یادگیری و آموزش در خردسالی، بسان کندن نقش روی سنگ پایدار است. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، باب ۷، روایت ۱۳، ص ۲۲۴.

⁷ آموزش آن‌ها به کودکان دبستانی که در ادبیات روان‌شناختی ژان پیاژه در مرحله عملیات عینی قرار دارند، از آموزش سایر معارف اسلامی مشکل‌تر است، لذا ضروری است که توجه بیش‌تری به شناسایی اصول و روش‌های مناسب در آموزش مفاهیم اعتقادی به کودکان شود.

متفاوت هستند.⁸ رشد و تحول عقلی کودک در دوره ابتدایی شکل جدیدی به خود می‌گیرد و کودک به کمک آن از جهان خارجی تعبیری می‌کند که به علم ما درباره جهان بسیار نزدیکتر است. فکر کودک اطراف چند مفهوم اساسی، مانند مفهوم زمان، مکان، عدد، علت، حرکت و نظایر آن که معلومات محسوس را متحد می‌سازند، سازمان می‌یابد.⁹

✓ دومین ویژگی که می‌تواند در آموزش مفاهیم دینی به ما کمک کند وجود گرایش به سوی امور مذهبی است. ما معتقدیم، مفاهیم اساسی مثل اعتقاد به خدا و دین، اموری هستند که با سرشت و فطرت دست‌نخورده کودکان سازگار است. علاقه‌مندی آنان به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون آنان وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می‌رسد. تعلیم و تربیت در اصل عهده‌دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش‌های فطرتی است و مربی پرورش‌دهنده آنهاست. در این زمینه، پیامبر (ص) فرمود: هر کودکی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید.¹⁰

⁸ پیژنه آن را مرحله «عملیات عینی» نامیده است: «این دوره، به این دلیل عملیات عینی خوانده می‌شود که با وجود رشد استعدادهای ذهنی و عقلی در کودک، هنوز عملیات ذهنی وابستگی به جهان خارج دارد و حل مسائل در گرو ارتباط مستقیم و عینی است.» (ناصر بی‌ریا و دیگران، روان‌شناسی رشد (۲)، چ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۶۱۴) به اعتقاد پیژنه، کودکان در این دوره از نظر احساسات و عواطف پیش‌تر به بزرگسالان شباهت دارند، ولی در تفکر ایشان با آنان بسیار متفاوت هستند. در این دوره هر چند از سرعت رشد بدنی کاسته می‌شود، اما رشد عقلی همچنان به سرعت دوره قبلی (در جهت آشنایی با مفاهیم گوناگون) ادامه می‌یابد، حتی اندیشه و استدلال پیشرفت بیشتری دارد. آشنایی کودک با مفاهیم نگهداری ذهنی، از جمله نشانه‌های روشن رشد عقلی کودک در این دوره می‌باشد. منظور از نگهداری ذهنی این است که اگر ظاهر اشیای خارجی (از جهات مختلف) تغییر کند، وضع آن‌ها در ذهن کودک ثابت می‌ماند و او چنین تشخیص می‌دهد که این اشیای به ظاهر تغییر کرده، همان اشیای سابق هستند و فرقی نکرده‌اند.

⁹ موریس دبس: «در این دوره، فکر هیأت جدیدی به خود می‌گیرد. فکر مرکب از مناسبات، جانشین فکر در هم آمیخته دوره پیشین می‌گردد و کودک به مدد آن از جهان خارجی تعبیری می‌کند که به علم ما درباره جهان بسیار نزدیکتر است... بر اثر رشد و اثرگذاری‌های محیط تربیتی، فکر کودک حول چند مفهوم اساسی، یعنی مفهوم زمان، مکان، عدد، علت، حرکت و نظایر آن که معلومات محسوس را متحد می‌سازند، سازمان می‌یابد.» موریس دبس، مراحل تربیت، ترجمه علی‌محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۶۶.

¹⁰ «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه و ی نصرانه؛ هر کودکی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته، یهودی یا نصرانی می‌سازند.» بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۸۱.

اصول آموزش مفاهیم دینی

1. اصل سهولت: منظور از این اصل آسانی است که در آموزش مفاهیم به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی آنان را در نظر گرفت و از سخت‌گیری در روند آموزشی پرهیز شود؛ زیرا هدف برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه‌های دینی است. از این‌رو، پیامبر (ص) همواره این سخن را تکرار نموده‌اند که: «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید.»¹¹ چراکه «خداوند مرا سخت‌گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان‌گیر مبعوث نموده است.»¹² برای تبلیغ اسلام، اساس کار تبشیر و مژده و ترغیب باشد تا مردم از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند.¹³ امام صادق (ع) فرمود: «والدین کاری را که انجام آن برای کودک ساده است بپذیرند و آنچه را که انجامش برایش غیر قابل تحمل است از او انتظار نداشته باشند.»¹⁴

2. اصل تدریج: رعایت توان و استعداد دانش‌آموز از اصول تعلیم و تربیت است. انسان در طول عمر توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در هر دوره خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می‌شود. قرآن ۲۳ سال به تدریج نازل

¹¹ محمد محمدی ری‌شهری، العلم والحکمه فی الکتاب والسنة، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶، حدیث ۱۳۱۱.

¹² محمد محمدی ری‌شهری، العلم والحکمه فی الکتاب والسنة، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶، حدیث ۱۳۰۸.

¹³ شهید مطهری: «پیامبر (ص) آن‌گاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «بِأَمْرٍ مِّنَ اللَّهِ وَبِإِذْنِهِ لَا تُعْزِرُ»؛ می‌روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مژده و ترغیب باشد، کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. نکته‌ای که پیغمبر اشاره کرد این بود که «بِشَرِّ وَ لَا تُنْفِرُ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فرار بدهی و متنفر بکنی. مطالب را طوری تقریر نکن که عکس‌العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، ص ۲۰۹.

¹⁴ ۲۳- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۶، ص ۱۹۹.

شد.¹⁵ این نزول تدریجی به خاطر بلوغ و رشد استعداد مردم در تلقی؛ فهم و پذیرش معارف اعتقادی و احکام است.¹⁶ در قرآن به مرور احکام بیان شده، به گونه‌ای که فهم آن ممکن باشد؛ بنابراین، آموزش مفاهیم دینی به کودکان هم باید تدریجی باشد تا آرام‌آرام با مفاهیم دینی آشنا شوند. امام صادق (ع) فرمود: «در سه‌سالگی کلمه توحید «لا اله الا الله» را به کودک بیاموزید، سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن‌گاه «محمد رسول الله» را به او یاد بدهید، سپس تا چهارسالگی او را رها سازید و در چهارسالگی صلوات بر محمد را به او بیاموزید...»¹⁷ بر این اساس، رعایت اصل تدریج مسئله مهمی تلقی نموده‌اند که غفلت از آن نتایج جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد.¹⁸ بنابراین، مطالب باید متناسب با سطح فکر و قدرت درک دانش‌آموزان باشد.¹⁹

3. اصل مداومت و استمرار: چنین گفت پیغمبر راست‌گوی زگهواره تا گور دانش بجوی. آموزش امری مداوم است و مسلمان همیشه باید در وادی فراگیری باشد.²⁰ تحصیل علم زمان مشخصی ندارد، امام صادق (ع) فرمود: دانش پایان

¹⁵ «وُفُرْنَا فَرَفْنَاهُ لِنَقْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْرُتٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا؛ و قرآنی که آیتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم.» آیه ۱۰۶ سوره «اسراء»

¹⁶ سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ذیل آیه ۱۰۶ اسراء.

¹⁷ وسایل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴ - ۱۹۳.

¹⁸ به نظر پستالوزی (H. Pestalozzi، ۱۸۲۷J. - ۱۷۴۶)، مربی بزرگ تعلیم و تربیت سوییسی، آموزش کودک باید بر اساس مراحل رشد طبیعی آدمی صورت گیرد. بر همین اساس، دست یافتن کودک به مرحله بعدی را، آن‌گاه برای او ممکن می‌داند که مرحله نخست را پیموده باشد. وی - با توجه به اصل تدریج در آموزش - سرعت و شتابزدگی را زیان آور دانسته، می‌گوید: «طبیعت، شایستگی‌های برتر آدمی را همانند گوهری که در صدف پنهان است، در او پنهان کرده است. اگر صدف را پیش از وقت بشکنید، گوهری ناقص خواهید یافت.» (میر عبدالحسین نقیبزاده، نگاهی به فلسفه آموزش پرورش، چ هفتم، تهران، طهوری، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷) غزالی در کتاب میزان العمل می‌نویسد: «یکی دیگر از وظایف معلم این است که به قدر فهم فراگیر سخن گوید و بکاره در تربیت نخست، آنان را از امور آشکار به موارد دقیق و از ظاهر و علنی به پنهان و خفی منتقل نکند...» محمد غزالی، میزان العمل، ترجمه علی‌اکبر کسمایی، تهران، سروش، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸.

¹⁹ به عنوان مثال، آموزه‌های وجود خداوند، توحید، معاد و مانند آن‌ها در دوره ابتدایی نمی‌تواند در قالب استدلال‌های پیچیده عقلانی و مفاهیم انتزاعی آموزش داده شوند، بلکه باید با زبانی ساده، جذاب و آسان بیان گردند؛ و مفاهیم انتزاعی، براهین فلسفی و منطقی را به دوره‌هایی موکول کرد که استعداد لازم برای فهم آن‌ها در دانش‌آموزان پدید آمده باشد.

²⁰ همان‌گونه که در حدیث آمده است: «أَطْلُبُ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْلَحْدِ.» چنین گفت پیغمبر راست‌گوی زگهواره تا گور دانش بجوی.

نمی‌پذیرد و کسی بر آن دست نیابد، مگر که در تحصیلش، مداومت نماید.²¹ آموزش مفاهیم تا پایان عمر استمرار دارد و دوران کودکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و دوران مداومت آن دانست. امام صادق (ع) فرمود: کودک باید هفت سال بازی کند. هفت سال آموزش خواندن ببیند و هفت سال احکام یاد بگیرد.²² اگر در این دوران آموزش مناسب انجام نشود، به آموزش در بزرگسالی نمی‌توان امید چندانی داشت. از این رو، باید به موازات رشد عقلی کودک، مفاهیم اعتقادی را هم انتقال داد و از شتاب بی‌مورد پرهیز نمود.

4. اصل آگاهی بخشی: خداوند از انسان‌ها می‌خواهد بر اساس آگاهی رفتار نمایند و دین حق را بپذیرند.²³ آموزش مبتنی بر آگاهی از اصول اساسی نظام آموزشی است و شیوه دعوت پیامبر (ص) نیز بر اساس آگاهی بوده است. از این رو، جایی برای تحمیل عقیده و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی‌ماند؛ چراکه اصولاً این مفاهیم با مفهوم پذیرش بر اساس آگاهی، به هیچ وجه سازگار نیست. آموزش اگر بر اساس فهم و آگاهی نباشد، چندان سودمند و پایدار نیست: امام علی (ع): ... در یادگیری بدون تدبیر، خیری نباشد.²⁴ اگر دانش‌آموز آنچه را که می‌آموزد واقعاً بفهمد، به آسانی می‌تواند به موقعیت‌های

²¹ «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (العلم و الحکمه فی الکتاب و السنه، همان، حدیث ۷۸۰) و حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «لَا يُحْرَزُ الْعِلْمُ إِلَّا مَنْ يُطِيلُ دَرَسَهُ»؛ (همان، حدیث ۱۰۰۵) بر دانش و معرفت دست نیابد، مگر کسی که در تحصیل خویش مداومت نماید؛ زیرا که به فرموده آن حضرت، دانش و معرفت پایان نمی‌پذیرد. همان، حدیث ۱۶۵.

²² «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» وسایل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۳، ص ۱۹۴.

²³ «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ بگو: این راه من است! من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.» آیه ۱۰۸ سوره «یوسف»

²⁴ «أَلَا لَأَخَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفْهَمٌ، أَلَا لَأَخَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهِ تَدَبُّرٌ؛ بدانید دانشی که بر اساس اندیشه و آگاهی فرا گرفته نشود، خیری ندارد و...» اصول کافی، ج ۱، روایه ۳، ص ۳۶.

جدید انتقال دهد.²⁵ هدف افزایش حجم اطلاعات نیست بلکه هدف دادن رشد فکری به دانش‌آموزان است.²⁶ آنچه باید در جریان آموزش مفاهیم مورد توجه قرار گیرد، تأکید بر درک مفاهیم است، این حقیقت را می‌توان در کلام امام علی (ع) یافت: یادگیری‌ای که بر اساس تفکر باشد، به مراتب سودمندتر از تکرار و مرور آن است.²⁷

5. اصل تفاوت‌های فردی: تفاوت‌های فردی از اصول پذیرفته‌شده در روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و معارف دینی است. به این معنا که همه انسان‌ها با یکدیگر شباهت‌هایی دارند، ولی آنان از حیث ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، بهره‌هوشی، تأثیر و تأثرات محیطی و صفات شخصیتی با یکدیگر متفاوت‌اند. «روان‌شناسی غیر از تفاوت‌های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد.»²⁸ هر انسانی، موجود مستقل فردی خاص می‌باشد و حتی برخی از روان‌شناسان می‌گویند: بر این اساس؛ اصل تفاوت‌های فردی از دیدگاه دانشمندان تعلیم و تربیت نیز مورد توجه قرار گرفته است. مربی باید هر یک از دانش‌آموزان را با توجه به میزان فهم و استعدادشان مورد خطاب قرار دهد. پیش از هر اقدام آموزشی، استعداد و قابلیت‌های آنان را با دقت شناسایی و

²⁵ پیروان نظریه گشتالت، یادگیری را عبارت از کسب بینش دانسته و عقیده دارند اگر دانش آموز آنچه را که در مدرسه می‌آموزد واقعا بفهمد و نسبت به آن بصیرت حاصل کند به آسانی می‌تواند به موقعیت‌های جدید انتقال دهد، صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی نیز به آموزش بر اساس فهم و آگاهی بخشی تأکید می‌کنند، بلکه برخی با تمایز بین مفهوم فهم و بصیرت با حفظ کردن و به خاطر سپردن، معتقدند فهم یا بصیرت پایه و اساس یادگیری را تشکیل می‌دهد. علی شریعتمداری، روان‌شناسی تربیتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۴۴۳۴۵.

²⁶ از دیدگاه شهید مطهری، هدف در تعلیم و تربیت اسلامی باید دادن رشد فکری به دانش آموز باشد. (مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۷۴، ص ۲۴) از دیدگاه برخی دیگر، رشد و تعالی کودک در فرآیند آموزش و پرورش به عمق و معرفت درونی وابسته است نه افزایش حجم اطلاعات. عبدالعظیم کریمی، کودک و مدرسه، تهران، تربیت، ۱۳۷۸، ص ۲۳.

²⁷ «فَضْلُ فِکْرٍ وَ تَفْهَمٍ أَجْزَعُ مِنْ فَضْلِ تَکْرَارٍ وَ دِرَاسَةٍ» آمدی، غررالحکم، حدیث ۶۵۶۴.

²⁸ همین امر موجب می‌شود که هر انسانی، موجود مستقل، تام و فردی خاص باشد. به همین دلیل، یکی از عمده‌ترین مسائل روان‌شناسی، مسأله تفاوت‌های فردی و عوامل آن‌ها می‌باشد و حتی برخی از روان‌شناسان می‌گویند: «روان‌شناسی غیر از تفاوت‌های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد.» علی‌اکبر شعاری‌نژاد، روان‌شناسی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲.

آن‌گاه علوم را به آنان بیاموزد. مربی و دانش‌آموزان شبیه باغبان، گل‌ها و درختان یک باغ می‌باشند که هر یک از درختان و گل‌ها، ویژگی‌ها و نیازهای متفاوتی دارند. نیاز هر کدام به آب و هوا و نور و کود متفاوت می‌باشد. این باغبان است که باید با دقت کامل نیاز هر یک از آنان را بشناسد، به مقدار لازم آن‌ها را آبیاری نموده و در معرض نور و هوا قرار دهد. معلم نیز باید ویژگی‌های شناختی و عاطفی هر یک از دانش‌آموزان را بشناسد تا بتواند متناسب با آن‌ها رفتار خاصی در پیش گیرد. خلاصه آن‌که توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش یکی از اصولی است که معلم باید با آن آشنا باشد و آموزش خود را با آن همگام سازد؛ زیرا «اهمیت دادن به تفاوت‌های فردی در آموزش، اثربخشی آموزشی را بیمه می‌کند.»²⁹ بر این اساس، رعایت تفاوت‌های فردی در آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌ویژه در انتخاب و استفاده از روش‌های آموزشی، معلمان باید انعطاف بیش‌تری داشته باشند و در آموزش مفاهیم دینی به کودکان به‌طور یکسان عمل ننمایند، بلکه متناسب با ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، سوابق خانوادگی و محیطی آنان، از روش‌های گوناگون و مؤثر استفاده نمایند. به‌عنوان نمونه، معلمان می‌بایست بدانند

²⁹ برای مثال، شهید ثانی بر این اعتقاد است که معلم باید با هر یک از دانش‌آموزان با توجه به میزان فهم و استعداد آنان سخن گوید و مورد خطاب قرار دهد. (زین‌الدین بن علی عاملی، منیته المرید فی ادب المفید و المستفید، قم، مکتب‌الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۶) خواجه نصیرالدین طوسی ترجیح می‌دهد که معلم باید پیش از هر اقدام آموزشی، استعداد و قابلیت‌های کودک را با دقت و فراست شناسایی و آن‌گاه علوم و صنایع متناسب را به او بیاموزد. (خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۷) مرحوم محمدتقی جعفری، معلم و دانش‌آموزان را به باغبان و گل‌ها و درختان یک باغ تشبیه می‌کند که هر یک از درختان و گل‌ها، ویژگی‌ها و نیازهای متفاوتی دارند. نیاز هر کدام به آب و هوا و نور و کود متفاوت می‌باشد. این باغبان است که باید با دقت کامل نیاز هر یک از آنان را بشناسد، به مقدار لازم آن‌ها را آبیاری نموده و در معرض نور و هوا قرار دهد. معلم نیز باید ویژگی‌های شناختی و عاطفی هر یک از دانش‌آموزان را بشناسد تا بتواند متناسب با آن‌ها رفتار خاصی در پیش گیرد. محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، جلد چهارم از دوره پانزده جلدی، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا ص ۴۴۲ و محرم آقازاده و محمد احدیان، راهنمای روش‌های نوین تدریس، تهران، آبیژ، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷.

برای برخی از کودکان، آموزش مفاهیم دینی با استفاده از روش شعر و داستان سودمند است و برای برخی از راه پرسش و پاسخ. برخی مفاهیم دینی را زودتر می‌فهمند و برخی دیگر نیاز به مثال و توضیح بیشتری دارند.

روش‌های آموزش مفاهیم دینی: مقصود از روش‌های

آموزش مفاهیم دینی به کودکان، فنون، شیوه‌ها و دستورالعمل‌های جزئی است که اهداف و اصول آموزش مفاهیم دینی را به ثمر می‌رساند و به آن‌ها عینیت می‌بخشد. در واقع، بخش کاربردی فرایند آموزش مفاهیم دینی، شیوه‌ها و روش‌های آن است. به عبارتی، مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند آموزش، تعیین و تشخیص روش‌های آموزش مفاهیم دینی و استفاده و به‌کارگیری صحیح و مناسب آن، به‌ویژه برای کودکان می‌باشد. از این‌رو، در این بخش، با توجه به ویژگی‌های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان دبستانی، به بررسی این روش‌ها پرداخته‌شده است:



1. **روش استفاده از مثال:** از روش‌های مهم و مؤثر در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، استفاده از مثال است. استفاده از مثال‌های متنوع، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزانی که از نظر رشد شناختی و تحول روانی ضعیف و یا در سطح پایینی می‌باشند، آسان می‌کند. به عبارتی، در بیان مطالب علمی و عقلی، استفاده از مثال بهترین روش برای هر چه پیش‌تر آشکار ساختن مطالب، تفهیم ساده‌تر و در نتیجه، درک بهتر و سریع‌تر آن‌هاست. از این رو، استفاده از مثال یک شیوه قرآنی است. قرآن با استفاده از این روش، حقایق و مفاهیم عقلی و غیر محسوس را در قالب حکایات و مثال‌های سودمند، به‌گونه‌ای در ذهن مخاطب ملموس و مجسم می‌سازد تا به‌این‌ترتیب ماهیت امر برای مردم روشن و آشکار گردد و آنان به‌خوبی به حقیقت موضوع پی ببرند.

پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز در بسیاری از موارد برای القا و تفهیم آموزه‌های عالی دینی و تبیین مطالب عقلی، از مثال آوری بهره برده‌اند.³⁰ اگرچه اعتقاد به خدا و دین در کودکان فطری است و نیازی به اثبات ندارد، اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند و در سنین دبستان می‌توان آن‌ها را به زبانی ساده مطرح کرد؛ بنابراین، استفاده از مثال یکی از روش‌های مناسب در آموزش مفاهیم دینی و اصول اعتقادی به کودکان است؛ زیرا گاه می‌توان با ذکر یک مثال مناسب و هماهنگ با مقصود، مطلب و مفهوم عمیق دینی را آسان و برای کودکان قابل‌فهم و درک نمود. از این‌رو، مربیان و معلمان می‌توانند با استفاده از این روش مفاهیم اعتقادی اسلام را در پرتو مثال‌هایی ساده و محسوس و ملموس در حد توان کودکان برای آنان آموزش دهند.

2. روش قصه‌گویی: زبان قصه یا داستان یکی از

مناسب‌ترین روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان می‌باشند و این سبب می‌شود تا بخش عمده تعلیم و تربیت دینی کودکان از این راه انجام پذیرد. هرچه استفاده از داستان‌های مناسب بیش‌تر باشد، تأثیر این آموزش و رسیدن به هدف‌های موردنظر آن، ساده‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. در اهمیت این روش و بهره‌گیری از آن، همین بس که در قرآن و تعالیم انبیای الهی و کتاب‌های آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و

³⁰ برای آشنایی ر. ک. به: تفسیر امثال القرآن، اسماعیل اسماعیلی، چاپ سوم، تهران، اسوه، جلد دوم و سوم، ۱۳۶۸. برگرفته از: پایان نامه «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی» مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره. علی مقدسی‌پور، بهار ۱۳۸۱، ص ۷۲-۷۳.

پیام‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن بسیاری از مفاهیم، حقایق و آموزه‌های دینی را در قالب بهترین قصه‌ها، به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان نموده است. مثلاً، در داستان حضرت آدم و حضرت عیسی (ع) حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می‌شود؛ در داستان حضرت ابراهیم (ع) اثبات توحید و یگانگی خداوند و در داستان عزیر کیفیت معاد بیان گردید است. از آنجا که قصه و داستان آموزه‌ها و حقایق آموزشی را به‌طور غیرمستقیم بیان می‌دارد، از نظر روان‌شناسی تربیتی نیز یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های آموزشی به حساب می‌آید؛ بنابراین، معلمان در آموزش مفاهیم دینی به کودکان می‌توانند با استفاده از این روش، مفاهیم اعتقادی دین اسلام، از قبیل مسئله توحید، نبوت، امامت و معاد را در صورت لزوم در قالب داستان‌های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی دانش‌آموزان دبستانی بیان کنند.

3. روش یادآوری نعمت‌های الهی: خداوند متعال

نعمت‌های مادی و معنوی فراوانی برای بشر آفریده است. به عبارتی، خداوند انسان را سرشار از نعمت‌های خویش نموده و همه نوع نعمت در اختیار او قرار داده است. در قرآن، نعمت‌های الهی بر دو گونه‌اند: نعمت‌های ظاهری و نعمت‌های باطنی. خداوند نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به‌طور فراوان بر شما ارزانی داشته است.³¹ پیامبر (ص) و ائمه (ع) نعمت ظاهری را رزق و آفرینش نیکو توحید و

³¹ «وَ اسْتَبَعَّ عَلَيْكُمْ نِعْمَةَ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» آیه ۲۰ سوره «لقمان»

نبوت و اسلام و نعمت باطنی را ولایت و مودت اهل بیت پیامبر (ص) دانسته‌اند.³² قرآن در آیاتی به یادآوری نعمت‌های الهی سفارش نموده است.³³ همچنین از روش‌های تربیتی پیامبران، یادآوری نعمت‌ها می‌باشد تا به این وسیله گرایش انسان‌ها را به سوی صاحب نعمت برانگیزند و سپاس‌گزاری از نعمت‌دهنده را که از گرایش‌های ریشه‌دار و فطری انسان است، در آنان بیدار سازند.³⁴ از این‌رو، در دوره دبستان با توجه به تمایلات فطری و گرایش‌های ذاتی پاک و دست‌نخورده کودکان بهتر می‌توان از روش یادآوری نعمت‌های الهی در آموزش و تعمیق بینش الهی آنان استفاده کرد. یادآوری نعمت‌های خداوند می‌تواند به تقویت و تعمیق شناخت کودک در مسئله خداشناسی کمک کند تا بتواند ولی نعمت خود را بشناسد و وظایف خود را از قبیل شکرگزاری و ایمان به او، ایفا کند. با یادآوری نعمت‌های الهی می‌توان ذهن کودک را به خدای مهربان متوجه کرد و میل و گرایش او را نسبت به خدایی که همه چیز را آفریده و به همه کمک می‌کند، جلب نمود. بر این اساس، در تدریس و آموزش خداشناسی و معاد به کودکان، باید بیش‌تر بر محبت و عشق الهی به همه انسان‌ها و به‌ویژه نیکوکاران و دادن پاداش و نعمت‌های بهشتی به آنان در روز قیامت تأکید کرد و آنان را نسبت به خدا و رحمت او امیدوار و علاقه‌مند ساخت و از

³² بهاء‌الدین خرمشاهی، دانش‌نامه قرآن و قرآن‌شناسی، ج دوم، تهران، دوستان و ناهید، ۱۳۷۷، ص ۲۲۴۷.
³³ در آیه ۳ سوره «فاطر» می‌فرماید: «بِأَيِّهَا النَّاسُ أَذْكَرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآتَى تُؤَفِّكُونَ؛ ای مردم به یاد آورید نعمت‌های خدا را بر شما؛ آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید؟»
³⁴ چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنُواهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَسْئَلَةَ نِعْمَتِهِ.» نهج‌البلاغه، خطبه اول.

بیان عذاب و رنج دوزخ که زندگی پس از مرگ را به‌گونه‌ای وحشتناک و دهشت‌انگیز ترسیم نماید، خودداری کرد.

4. **روش نمایشی (نمادین):** منظور از نمایش، مجسم

کردن و به‌صورت مشهود و محسوس درآوردن پیام‌ها و آموزه‌هاست. روش نمایشی یکی از روش‌های آموزشی است که دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌باشد و از راه آن می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل‌مشاهده و به‌گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به کودکان آموزش داد. نمایشی کردن مفاهیم عقلی و انتزاعی، به‌ویژه برای کودکان با توجه به غلبه برخورد حسّی آنان، موجب می‌شود که این‌گونه مطالب بهتر درک شود و یادگیری عمیق‌تری صورت پذیرد؛ معمولاً کودکان، خاطرات نمایشی را که در کودکی دیده‌اند، به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه تا آخر عمر در حافظه خود حفظ و نگهداری می‌کنند. اصولاً استفاده از روش نمایشی و به‌صورت محسوس و مشهود درآوردن مفاهیم و مسائل آموزشی، از جمله روش‌هایی است که در قرآن نیز فراوان مورد استفاده قرار گرفته است. قرآن با استفاده از روش نمایشی توانسته است اصول اعتقادی را اثبات و برای عموم مردم قابل‌درک و فهم نماید. قرآن هنگامی‌که - مثلاً - در صدد تقویت ایمان مخاطبان به زندگی پس از مرگ و مسئله معاد می‌باشد، به ارائه نمونه‌های مشابه حسّی و قابل‌مشاهده در این دنیا می‌پردازد؛ یکی از نمونه‌های عینی که قرآن مجید بارها به آن پرداخته و برای اثبات این امر در برابر چشم همگان به

معرض نمایش قرار داده، زنده شدن مجدد گیاهان می‌باشد.³⁵ علاوه بر تعالیم وحی، معصومان (ع) نیز در پاره‌ای از موارد برای محسوس و مجسم نمودن مفاهیم و حقایق دینی از روش نمایشی استفاده نموده‌اند. پیامبر (ص) در موارد متعددی، مانند آموزش نماز و حج از این روش استفاده نموده و به مردم می‌فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ نماز بگزارید، آن‌گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم.³⁶ در حدیثی آمده است که روزی عده‌ای از بزرگان یهود به مدینه آمدند و از حضرت علی (ع) در مورد خدا سؤالاتی نمودند؛ از جمله درباره معنی جمله «أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی چطور ما به هر طرف رو کنیم، به‌طرف خدا هستیم؟ حضرت علی (ع) به ابن عباس دستور داد هیزمی آماده نموده و آتشی را برافروزند، آن‌گاه از آنان سؤال کرد: صورت آتش به کدام جهت است؟ گفتند: ما که برای شعله آتش صورتی نمی‌یابیم؛ یعنی شعله آتش که پشت‌ورو ندارد. آن‌گاه حضرت فرمود: «كَذَلِكَ رَبِّي أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی همان‌گونه که شعله پشت‌ورو ندارد و شما در هر طرف آن باشید، روبه روی آن هستید، خدا نیز پشت‌ورو ندارد.³⁷

بنابراین، طبیعی است که جنبه آموزشی روش نمایشی مؤثرتر و پرجاذبه‌تر از روش گفتاری صرف است؛ چراکه روش نمایشی هم‌زمان گوش و چشم مخاطب را به کار می‌گیرد. از این‌رو، در آموزش مفاهیم دینی کودکان لازم است تا آن‌جا که امکان دارد مواد و مطالب آموزشی به‌صورت نمایشی ارائه گردد. آموزش بسیاری

³⁵ برای آگاهی بیشتر در این زمینه به مضامین آیات: ق: ۱۱ و ۹ / روم: ۵ و ۶ / فصلت: ۳۹ / فاطر: ۹ / اعراف: ۵۷ توجه نمایید.

³⁶ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۷۶.

³⁷ حسن الدیلمی، ارشاد القلوب، المجلد الثانی، پژوهش سید هاشم میلانی، قم، دارالأسوه، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۵.

از مفاهیم دینی اعمّ از اصول و مبانی ارزشی، اعتقادی و احکام عملی با استفاده از روش نمایشی قابل آموزش پذیر است. مثلاً، در ارتباط با خدانشناسی، معلم می‌تواند دانش‌آموزان را به نزدیک ساختمانی که عده‌ای مشغول ساخت و تکمیل آن هستند ببرد تا آنان با مشاهده زحمات و تلاش‌های فراوانی که برای بنای آن صورت می‌گیرد، به این نتیجه برسند که ساختمانی به این کوچکی و بساطت نیازمند سازنده‌ای است، پس این زمین و آسمان‌ها و دیگر مخلوقات عالم که بسیار عظیم‌تر و شکوهمندتر می‌باشند، محتاج خالق آگاه و توانا است.

جمع‌بندی و دستاوردها: دستاوردهای دو بخش «اصول»

و «روش‌های آموزش» مفاهیم دینی به کودکان دبستانی به نظر می‌رسد آنچه در میان اصول مطرح شده، بسیار مهم می‌باشد، اصل آگاهی بخشی در آموزش مفاهیم دینی است زیرا در مجموعه مفاهیم و آموزه‌های اعتقادی، اصل آگاهی بخشی با دست‌مایه‌های فطری، سرشت اولیه و فطرت دست‌نخورده کودکان سازگار است.³⁸ فطری بودن مفاهیم اعتقادی حاکی از این است که پیش از هر نوع آموزشی، نوعی کشش به سمت دین، خدا و معاد در نهاد کودکان وجود دارد که می‌تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی «کل مولود یولد علی الفطرة» نیز بر همین امر دلالت دارد.³⁹ آموزش مفاهیم دینی به کودکان، در سنین کودکی قابل اجراست؛ زیرا در این زمینه، مربی هرگز به دنبال اضافه نمودن مطالبی بیرون از وجود کودکان نیست، بلکه هدف از آموزش اعطای بینش و آگاهی، برای رشد و شکوفاسازی اموری

³⁸سوره «روم» آیه ۳۰

³⁹محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۱.

است که در سرشت و فطرت کودکان نهاده شده و آموزش مبتنی بر فطرت است. از این رو، مهم‌ترین اصلی که باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد توجه مربیان قرار گیرد، اصل آگاهی بخشی است و اصول دیگر نیز با توجه به همین اصل قابل اجرا می‌باشند؛ اما در میان روش‌های مطرح شده نیز، استفاده از روش نمایشی در آموزش مفاهیم دینی بسیار مهم می‌باشد. تجربه‌های آموزشی ثابت کرده، استفاده از روش نمایشی، علاوه بر سهولت در یادگیری، از جهت کیفی نیز بهتر و پایدارتر است. از روزگاران پیشین هم روش نمایشی در مراسم‌های دینی و اعتقادی استفاده می‌شده و مانند زبانی مناسب برای بیان حالت ویژگی‌های عاطفی و باورهای اعتقادی به کاربرد داشته و تأثیر امروزی نیز به مراسم و آیین‌های مذهبی باز می‌گردد. به دلیل آن‌که کودکان دبستانی ظرفیت درک و دریافت حقایق انتزاعی را ندارند، از این رو، با استفاده از روش نمایشی می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به‌گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به آنان آموزش داد.

در پایان پیشنهاد می‌شود از آن‌جاکه کار درستی نیست جنبه‌های استدلالی و محض معارف اعتقادی به کودکان، به‌ویژه در سال‌های اول دوره ابتدایی که آنان بیش‌تر با امور حس‌شدنی و ملموس سروکار دارند، طرح شود. لذا شایسته است مربیان در آموزش مفاهیم اعتقادی بیش‌تر پی‌آمدهای دنیایی و آخرتی اعتقادات را با استفاده از اصول و روش‌های آموزشی مناسب این دوره مورد توجه قرار دهند. به دلیل آن‌که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دوره ابتدایی، مربیان نقش اساسی دارند، باید آنان علاوه بر آگاهی صحیح از دین و التزام عملی به ارزش‌ها، با ویژگی‌های

شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان هم آشنا باشند تا بتوانند معارف و مفاهیم اعتقادی را به نحوی مؤثر، در تدریس و آموزش توحید، معاد و جلوه‌های نظم و هدفمندی طبیعت، از ابزارهای کمک‌آموزشی همچون عکس، اسلاید و فیلم‌های آموزشی استفاده نمایند و برای حفظ نشاط و شادابی کودکان در آموزش مفاهیم دینی، از شیوه‌های تشویقی متناسب با روحیه کودکان، به‌جا و به‌موقع استفاده شود و از برخوردهای تند و خشن پرهیز گردد⁴⁰.

⁴⁰ معرفت ۱۳۸۲ شماره ۷۵، علی مقدسی پور.